

اختیار این نیروها بدست مقام رهبری است، اما در گذشته، همین اختیارات به وزیر کشور سابق، یعنی آقای بهارنی واگذار شده بود. علی القاعده نیز، وزارت کشور بدون در اختیار داشتن نیروهای انتظامی قادر به حفظ نظم نخواهد شد.

آزادی‌ها

انگیزه جبهه ملی، از نگارش نامه اخیر به محمد خاتمی، در عین حال، شرح نقطه نظرات مشترک بین جبهه ملی و برنامه‌های اعلام شده آقای محمد خاتمی است، که در جهت آزادی‌های دموکراتیک، جامعه مدنی و قانونمندی است. ما در نامه خود، از نقطه نظرات ایشان، که به نوعی نقطه نظرات جبهه ملی است، اعلام حمایت کرده‌ایم. بنظر می‌رسد، که محمد خاتمی در اعمال و پیگیری نقطه نظرات خود پا برجاست، البته هنوز کار اساسی انجام نگرفته ولی تحلیل ما اینست که روند کار ایشان درست است و کارهایی هم در این جهت دارد انجام می‌شود.

قوه قضائیه

جبهه ملی طرفدار جدائی توأ از یکدیگر و استقلال آنهاست، اما این هم واقعیت است، که برنامه‌های دولت در صورتیکه این سه قوه با هم هماهنگ نباشند، پیش نمی‌رود.

رادیو و تلویزیون

جبهه ملی، عملکرد صدا و سیما را چه قبل و چه بعد از انتخابات منصفانه تشخیص نمی‌دهد. بنظر می‌رسد که آقای لاریجانی موضع‌گیریهای خاص خود را دارد. ما معتقدیم که رادیو تلویزیون باید جدا از دسته‌بندیهای سیاسی باشد. اعتراض ما اینست که صدا و سیما باید در خدمت مردم باشد و این بسود منافع ملی است.

اگر آزادی بیان در داخل کشور بوجود بیاید، دیگر نیازی به ارتباط برقرار کردن با رادیوهای خارج کشور نیست. جبهه ملی ترجیح می‌دهد که از طریق رسانه‌های داخلی نظراتش را مطرح کند. البته باید گفت، که در جمیع جهات، امروز بنظر می‌آید، که آزادی‌های بیشتری هست. روزنامه‌های بسیار زیادی تری انتشار می‌یابند. البته اینها همه در چارچوب هستند، اما محتوای انتقادی شدیدی دارند. حتی در این یکی دو ماه اخیر، چندین روزنامه پرمحتوا با مطالب بسیار جالب دارند منتشر می‌شوند، مثل "فردا"، "جامعه"، "آبان". اینها مطالب بسیار جالب، انتقادی و تحلیلی دارند. البته اینها روزنامه‌های احزاب نیستند. جبهه ملی، اکنون یک نشریه درونی دارد که بصورت پلکی کیسی منتشر می‌شود و مسلماً وسعتی ندارد و به همین دلیل هم ارتباط مستقیمی با مردم نداریم. این روزنامه‌هایی که نام برده شد و چند مجله دیگر، مطالب پرمحتوا و قابل مطالعه دارند.

هنوز نه ما و نه به دیگر سازمان‌های دگراندیش اجازه انتشار نشریه داده نشده است. حتی خود ما هم هنوز جا و مکانی برای فعالیت نداریم. در مورد برنامه‌های اقتصادی، جبهه ملی اعتقاد دارد، که تا چنان فضای آزادی در جامعه بوجود نیاید، که این برنامه‌ها موثر باشد، انتقاد و بررسی شود و راه حل نشان داده شود، امکان اشتباه و خطا در این عرصه هم بسیار زیاد است. اول باید فضای باز سیاسی بوجود بیاید و بعد برنامه ریزی اقتصادی، پس از نقد و بررسی همگانی شروع شود.

ولایت فقیه، شورای مصلحت نظام و دولت

درباره اظهاراتی، که پیرامون اختلاف در میان نهادهای بسیار بالایی حکومتی می‌شود و یا مطالبی که در همین رابطه و در باره سفر آقای رفسنجانی به عربستان مطرح شده و آنرا دولت در دولت می‌نامند، ما چنین اعتقادی نداریم. بنظر جبهه ملی ایران، این‌ها برنامه‌های کلی است، که هماهنگ است با برنامه‌های آقای خاتمی. اصولاً جبهه ملی فکر می‌کند این حرکت‌هایی که انجام می‌شود، حرکت‌هایی است در جهت درست و با همکاری یکدیگر. اما بهر حال مسائل و مشکلاتی در برابر دولت و آقای خاتمی وجود دارد. افراد و سازمان‌هایی هستند، که منافع جدی در حفظ جریان خودشان دارند و منافع جدی اقتصادی دارند و نمی‌خواهند قانونمندی بوجود بیاید، تا بتوانند به همان کارهای سابقشان ادامه بدهند. اگر برنامه‌های آقای خاتمی، مثلاً "جامعه مدنی" شکل بگیرد، این جریان‌ها دیگر نمی‌توانند آن کارهای سابق را انجام بدهند و به همین دلیل هم اینها با برنامه‌های آقای خاتمی مخالفت می‌کنند. مخالفان خیلی جدی، همین‌ها هستند، اینها منافعشان در خطر است و مقاومت می‌کنند و صاحب

جبهه ملی ایران، شورای مرکزی و هیات اجرائیه جدید خود را در داخل کشور تعیین کرد و طی نامه‌ای سرگشاده و تحلیلی، از برنامه‌های دولت خاتمی پشتیبانی کرد!

حمایت جبهه ملی از "محمد خاتمی"

* مخالفان برنامه‌های "محمدخاتمی" افراد و سازمان‌هایی هستند، که در صورت قانونمند شدن جامعه، برقراری جامعه مدنی و استقرار دموکراسی، منافع بسیاری عظیمی را از دست می‌دهند!

جبهه ملی ایران، طی نشستی در داخل کشور، اعضای جدید شورای مرکزی و هیات اجرائیه خود را برگزید. علاوه بر حسن لباسچی، پرویز ورجاوند، دکتر موسوی و..... گفته می‌شود، دکتر یدالله سجایی، از رهبران قدیمی نهضت آزادی ایران نیز در ترکیب جدید رهبری جبهه ملی حضور دارد.

در نشست مورد بحث، مسئله انتخابات اخیر ریاست جمهوری، که جبهه ملی در آن شرکت نکرده بود، برخورد با دولت محمد خاتمی و نظرات و برنامه‌های او و فضای نوینی که در عرصه مطبوعاتی کشور پیش آمده و همچنین تلاش برای گشایش فضای سیاسی کشور مورد بررسی قرار گرفته است. بدنبال این نشست، نامه سرگشاده‌ای در ۱۰ صفحه، با امضای شورای مرکزی جبهه ملی، خطاب به محمد خاتمی در تهران انتشار یافت. این نامه شامل دیدگاه‌های جدید جبهه ملی نسبت به اوضاع ایران و جهان و همچنین اعلام حمایت جبهه ملی از برنامه‌های دولت محمد خاتمی است. نامه مذکور، همراه با متن یک مصاحبه از "حسن لباسچی"، بعنوان سخنگوی جبهه ملی ایران و عضو هیات اجرائیه این جبهه، هم در داخل کشور و هم در خارج کشور منتشر شده است.

حسن لباسچی در این مصاحبه، نامه سرگشاده جبهه ملی به محمد خاتمی را، در نوع خود، تحلیلی از انتخابات دوم خرداد ارزیابی کرده و سابقه تاسیس جبهه ملی ایران، در سال ۱۳۲۸، توسط دکتر محمد مصدق را برشمرده است.

سخنگوی جبهه ملی، این جبهه را بازوی تشکیلاتی نهضت ملی، که مصدق رهبری آنرا برعهده داشت عنوان کرده است. حسن لباسچی در مصاحبه خود، از جمله درباره انتخابات و دولت محمد خاتمی گفته است:

جبهه ملی، در نامه سرگشاده خود، مواضع رئیس‌جمهور جدید را تائید کرده است، گرچه در انتخابات ریاست جمهوری شرکت نکرد. جبهه ملی در این انتخابات شرکت نکرد، زیرا نظام انتخاباتی کنونی را قابل قبول نمی‌داند. البته ما انتخابات را تحریم نکردیم، اما به علت غیر قابل قبول بودن، نحوه انتخابات نتوانستیم جمعی و علنی در این انتخابات شرکت کنیم. ما نخواستیم بر نحوه کنونی تشخیص صلاحیت کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری صحه بگذاریم. این تشخیص صلاحیت‌ها، در واقع انتخابات را دو درجه‌ای می‌کند، که ما علی‌الاصول با آن موافق نیستیم.

از سوی دیگر، جبهه ملی در تحلیل خود از اوضاع کشور، خواست‌های خود را مطابق نظرات رئیس‌جمهوری می‌داند و به همین دلیل نیز، ما حمایت خودمان را از مواضع ایشان اعلام داشتیم. البته جبهه ملی تاکید کرده است که طی ۶ ماه گذشته، برنامه‌های دولت پیشرفت سریعی نداشته و ما خواستار شتاب بیشتر این امر هستیم. در همین نامه ما تاکید کرده‌ایم که نیروهای انتظامی در اختیار وزارت کشور قرار گیرد. البته مطابق قانون اساسی

(بقیه جنبش دانشجویی از ص ۱۲)

صف بندی‌ها در جنبش دانشجویی را نیز مستقیماً متأثر ساخت. البته، تشدید تضاد جناح‌های حکومتی و عملکرد جناح راست وابسته به بازار، در مجموع عوامل بیداری و به خود آمدن دانشجویان مسلمان شده است. طیف وسیعی از دانشجویان که زمانی در مقابل دفتر تحکیم وحدت صف آرایی کرده بودند، در پی تحولاتی که در جامعه روی داد، به صفوف جنبش آزادیخواهی مردم روی آوردند. جنبش دانشجویی، بدین ترتیب به درک نویسی از مبارزات اجتماعی رسید و صف آرایی‌ها در مقابل ارتجاع بازار به کیفیتی نوین دست یافت.

اکنون ما شاهدیم که حرکت‌های دانشجویی، بویژه دانشجویان تشکل یافته در دفتر تحکیم وحدت دانشجویان روز به روز سیاسی‌تر شده و با جنبش مردم هماهنگی و همسو می‌شود. مقابله دانشجویان با گروه‌های فشار سازمان یافته از سوی چهره‌های شناخته شده حکومتی، نظیر رهبران "موتلفه اسلامی"، نمونه‌های جالبی از عمق درک جنبش دانشجویان مذهبی ایران است. این شناخت در انتخابات دوره پنجم مجلس و با اعلام حضور و شرکت دانشجویان در انتخابات، مرحله جدیدی را پشت سر گذاشت و در جریان انتخابات ریاست جمهوری، توان، درک و نفوذ خود را در میان جوانان به نمایش گذاشت.

عملکرد گستاخانه جناح راست و بازنده انتخابات، که می‌کوشد شکست انتخابات ریاست جمهوری را جبران کند و رویداد دوم خرداد را به شکست بکشد، عملاً به جنبش دانشجویی ایران، جنبه پیشگامی بخشیده است.

نشست سراسری انجمن‌های اسلامی دانشجویان دانشگاه‌های سراسری کشور (دفتر تحکیم وحدت) در تاریخ ۴ و ۵ دیماه گذشته، با حضور نمایندگان انجمن‌های بیش از ۵۰ دانشگاه کشور، در دانشگاه صنعتی خواجه نصیرطوسی، نشان داد، که امر بسیار مهم تشکل و سازماندهی، برای مقابله با ارتجاع پر قدرت حکومتی، تا چه میزان در دستور کار جنبش دانشجویی مذهبی قرار گرفته است. قطعنامه پایانی این نشست، تصریح می‌کند: «نشست با ابراز نگرانی از خشونت و برخوردهای افراطی، که سناریوهای دیگری از سوی جناح انحصار طلب که بمنظور... (تحصیل) سرخوردگی و ناامیدی به مردم و تضعیف پایه‌های جامعه مدنی است... با تاکید مجدد بر آنکه دولت و دستگاه‌های انتظامی و اطلاعات موظفند حقوق و آزادی‌های قانونی مردم را تامین نمایند...»

تعمیق بینش سیاسی در جنبش دانشجویی و پیوند آن را با جنبش مردم را در اخبار زیر می‌توان دنبال کرد:

«انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران، طی نامه‌ای سرگشاده به رئیس قوه قضائیه، خواستار بازنگری وی در رفتار و عملکرد خویش و در غیر اینصورت کناره‌گیری ایشان از ریاست قوه قضائیه شدند.» (عصرما شماره ۸۷)

«انجمن‌های اسلامی دانشجویان، خواستار برکناری تمامی چهره‌های مخالف با رای مردم شدند.» (عصرما شماره ۸۲)

«نوزدهمین نشست سراسری دفتر تحکیم وحدت، خواهان شفاف شدن وضعیت مجمع تشخیص مصلحت نظام و خواهان حرکت این مجمع در چارچوب قانون اساسی شد. رسیدگی به تخلفات مسئولان بنیاد جانبازان-آستانقدس رضوی- کمیته امداد امام- بانک سپه شد. قطعنامه همچنین از عملکرد مسئولین از دفتر نمایندگی رهبری در دانشگاهها انتقاد کرد. قطعنامه ضمن حمایت از رئیس جمهور منتخب مردم، خواهان برکناری مسئولین و مدیریت دانشگاهها شد.» (عصرما شماره ۸۱)

نزاع در مجلس اسلامی، هنگام پاسخ وزیر کشور! فراکسیون راست مجلس از چه می‌توسد؟

روزنامه "سلام" در شماره ۲۸ اسفند خود، گزارش مشروحی را درباره نزاع در مجلس اسلامی، همراه با پاسخ‌های وزیر کشور به سوالات نمایندگان مجلس منتشر کرد. وزیر کشور، برای پاسخگویی به اجازه برگزاری مراسم یادبود مهندس مهدی بازرگان، دبیرکل سابق نهضت آزادی به مجلس فراخوانده شده بود. در این جلسه یکی از نمایندگان جناح راست، که قصد حمله به وزیر کشور را داشت، چنان سبیلی به گوش نماینده جناح طرفدار دولت در مجلس زد، که عمامه و عینک وی به گوشه و کنار پرت شد! (قابل توجه طرفداران تنگ‌کاست روحانیت) (بقیه در ستون مقابل) ➔

قدرت هم هستند و در اغلب وزارتخانه‌ها و در بیشتر فعالیت‌های اقتصادی و شرکت‌های بزرگ نفوذ دارند، دست دارند، آدم دارند و در هر حال منافع خیلی خیلی عظیمی دارند. بنظر جبهه ملی مقاومت‌ها در برابر برنامه‌های آقای خاتمی از طرف این جریان‌ها می‌باشد. بنابراین، ما اعتقاد داریم، حرکت‌هایی که آقای رفسنجانی می‌کند و حتی بیش از آن، از سوی خیلی از دیگران، در تضاد و مخالفت با دولت آقای خاتمی نیست، که در جهت تکمیل آنست.

ارزیابی ما از شورای تشخیص مصلحت نظام هم همین است. جبهه ملی اینطور فکر نمی‌کند که این شورا در برابر دولت آقای خاتمی و مخالف آنست، خیر. بنظر ما، این شورا هم از برنامه‌های آقای خاتمی حمایت می‌کند و در مقابل این برنامه‌ها نیست.

تحریم انتخابات

ما انتخابات را تحریم نکردیم. در نامه خودمان هم توضیح داده‌ایم که علی‌الاصول با این ترتیب که شورای نگهبان صلاحیت‌ها را تعیین کند، شرکت نمی‌کنیم. شورای نگهبان صلاحیت خیلی از افراد موجه و دگراندیش را رد کرد، مثل آقای مهندس سبحانی، اینها را همه را صلاحیتشان را رد کرد. اما دوستان ما، طرفداران جبهه ملی در این انتخابات شرکت کردند و به آقای خاتمی هم رای دادند، به این ترتیب ما تحریم نکردیم، تنها گفتیم که به این ترتیب نمی‌توانیم در انتخابات شرکت کنیم.

جبهه ملی از مواضعی که آقای خاتمی تا امروز اتخاذ کرده، روی آن ایستاده و سعی در اعمال آن کرده حمایت می‌کند و تا موقعی که این جهت تداوم داشته باشد، این حمایت را خواهد کرد. ما عمیقاً اعتقاد داریم، حرف‌هایی که ایشان می‌زند، سالهای سالت که در این مملکت زده شده است. حرف‌های بسیار با ارزشی است، حرف‌هایی است در جهت آزادی، جامعه مدنی، قانونمندی. اینها همان چیزهایی است که مردم می‌خواهند و ایشان هم دارد همین حرف‌ها را می‌زند و ما باید به ایشان کمک کنیم و تشویق کنیم که این عمل کرده است. تا وقتی ایشان در این خط حرکت می‌کند ما هم از ایشان حمایت خواهیم کرد، آنجانی هم که چنین نشود و نوع دیگری عمل شود. ما هم حمایت نخواهیم کرد. ولی نظر ما و تحلیل ما اینست که ایشان صادقانه این مواضع را اعلام کرده، پیگیری کرده و صادقانه روی این مواضع خواهد ایستاد. این تحلیل ماست از ایشان تا به حال.

دین و دولت

اما درباره مواضع مذهبی آقای خاتمی و نحوه نگرش سیاسی جبهه ملی، باید بگویم، واقعیت اینست، که آقای خاتمی در چارچوب جمهوری اسلامی و قوانین اسلامی عمل می‌کند. البته تعبیر و تفسیری که ایشان از مذهب و دولت و دین دارند، شاید برداشت دیگری باشد، نوع دیگری باشد، اما در هر حال ایشان یک روحانی است و مسائلشان را در همان کسوت مطرح می‌کنند. و در حال حاضر هم ایشان باید مطرح کنند. برداشت‌های ایشان از مذهب برداشت‌های دیگری است و بنظر ما درست‌تر است. مسائل ایران درونی است و برای آنها باید راه حل‌های درونی پیدا کرد. بالاخره باید مردم ایران را درک کرد. این ملتی است با استعداد، آگاه و هوشمند. نمونه دوم خرداد نمونه‌ای از این هوشمندی بود. بنابراین ما در بستر واقعیات موجود باید کار کنیم. باید صبر داشت و گام به گام مسائل را پیش برد، نوع دیگر عمل و حرکت، نه عسلی است و نه به صلاح مملکت ما.

* حسن لباسچی، از اعضای قدیمی جبهه ملی ایران است، که پس از پیروزی انقلاب ۵۷، برای مدتی معاون وزارت خارجه، در کابینه مهندس بازرگان بود. وی تحصیل کرده امریکا در رشته علوم سیاسی است

(بقیه فراکسیون راست...) یکی از مهترین نکاتی که وزیر کشور در پاسخ‌های خود به آن اشاره کرد، این نکته هشدار دهنده به مجموعه مجلس و حکومت بود:

«... آیا از نظر نماینده محترم میناب (سؤال کننده) وضع ما به جانی رسیده است، که باید از برگزاری یک مجلس تحريم اينقدر احساس نگرانی کنیم؟ این نحو سؤال کردن القای این مفهوم به افکار عمومی در داخل و خارج کشور نیست که نظام اسلامی ایران، در حدی متزلزل و آسیب پذیر است که حتی تحمل برگزاری یک مراسم ساده تحريم را، آن هم برای کسی که زمانی در همین نظام نخست وزیر بوده است، ندارد؟ از چه نگران هستیم؟ از فاتحه، یا متوفی؟ و یا محل فاتحه؟ و یا شرکت کننده‌ها و یا چیز دیگری؟»

راه توده: از همان چیز دیگر می‌ترسند! و این چیز دیگر، همان "آزادی احزاب سیاسی" است!